

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

سال نهم | شماره دویست و یازدهم | ۲۱ آبان ۱۴۰۰

ویژه نامه نماز جمعه

۲ | مرثیه ای برای یار مهربان

۳ | به نام مردم، به کام خودروسازان

۴ | کی داده؟ کی گرفته؟



سرمقاله فتح

## وای به روزی که بگندد نمک!

حاکمیتی، پس چگونه است که در تریبون عمومی به نقد رویه مسئولان می پردازد؟ درباره برجام تذکر می دهد، درباره بیست سی اعلام موضع می کند، حقوق های نجومی را محکوم می کند و... خب چرا همین ها را در پستوبه مسئولین نفرمودند و خاطر ملت شریف را مکدر به اخبار تلخ کردند؟ چون مردم باید بدانند. در نظر امامین انقلاب مردم مهم هستند و باید بدانند، باید موضع بگیرند و این اساس جمهوریت است. اگر مردم درباره موضوعات جاری از تریبون نماز جمعه موضع دریافت نکردند از بی پی سی و سعودی نشنال و هزار صفحه و کانال در دنیای مجازی تحلیل خواهند گرفت. باید موضع تریبون حاکمیت با صراحت علیه مشکلات و مسائل اعلام شود. امروز نقد ما این نیست که چرا آقایان این رویه را قبول ندارند یا فلان امام جمعه در فلان شهر را که چنین رویه ای داشت معزول داشتند. نقد این است که چرا چنین رویه ای را ایجاد نمی کنید؟ چرا ما هر روز ۹۰۰ نماز جمعه نداریم که به روشنی درباره مسائل کشور ورود کنند، موضع بگیرند و تحلیل ارائه دهند و اگر نیاز شد مطالبه کنند. این مستلزم هتک حرمت و آبروی کسی است؟ قطعاً خیر.

کسی گفته است که طرح برخی مصادیق آن هم نه به معنای هتک آبروی فرد بلکه تنها به عنوان تذکر و اعتراض به آن، امید مردم را از میان می برد؟ اتفاقاً دیدن انفعال حاکمیت در برابر مشکلات جاری که بیش تر ناامیدی تزریق می کند! اگر در خطبه ها مسائل و مشکلات تذکر نشود مردم از طرق دیگر متوجه آن نمی شوند؟ کسی که می داند ده ها مسئله مهم در منطقه او همین الان وجود دارد و بعد بیاید در خطبه های نماز جمعه صرفاً قصه گل و بلبل بشنود و توصیه به تقوا شود چه ادراکی

**امروز نقد ما این نیست که چرا آقایان این رویه را قبول ندارند یا فلان امام جمعه در فلان شهر را که چنین رویه ای داشت معزول داشتند. نقد این است که چرا چنین رویه ای را ایجاد نمی کنید؟**

نسبت به این تریبون پیدا می کند؟ فرمودید امام جمعه با یک جوان عدالتخواه متفاوت است و دستبری به نهادهای حاکمیتی دارد، چه نیازی است که از تریبون نماز برای تذکر و اعلام نقد استفاده کند وقتی می تواند در پستو به مسئول تذکر دهد یا از طرق دیگر مسئله را پیگیری شود؟ با این وصف سیره رهبری و امام رانیز باید محکوم کنیم! رهبری که به طریق اولی به مسئولین دسترسی دارد و اختیارات

ایشان طرح مسائلی که مستقیماً به فضای اجتماعی-سیاسی کشور مربوط است را چیزی بجز تسری دین و ذکر... در جامعه می دانند؟ آیا نماز جمعه مطلوب و الهی آن است که خطبه های آن بشود چون نصایح کشیش ها و رهبانیان، و دین را از متن به حاشیه زندگی تبعید کند؟ این سکولاریزه کردن نماز جمعه نیست؟ مگر طرح مصادیق «خلاف شرع و خلاف قانون»ی که رخ داده بجز دین است؟ مگر جز نبی از منکر است؟ هر چند در بزرگان اندیشه ای ما، امثال شهیدان

مظهری و بهشتی و امام خامنه ای ها جهاد کردند تا این پیام رابه مردم مخایره کنند که اسلام دینی است برای جامعه سازی و در متن زندگی مردم زنده است، امروز برعکسش از تریبون نماز عبادی-سیاسی فریاد می شود که: نخیر! اینجا ذکر... است، محل بحث درباره وقایع و مطالبات سیاسی اجتماعی نیست! در باب مطلب دوم نیز این نقد وارد است که چه

هفته ای که گذشت، آقای حاج علی اکبری با حضور در صداوسیما، به برخی ابهامات پیش آمده درباره شورای سیاست گذاری ائمه جمعه پاسخ دادند. اصل این کار بسیار ارزشمند و پریکت است؛ مسئولان اگر از مسیری که در پیش گرفته اند اطمینان و برای آن استدلال دارند چه دلیلی دارد که از پاسخگویی هراس داشته باشند و در برابر افکار منتقد سد شوند؟ باید از ایشان بابت انجام این وظیفه مسئولانه تقدیر نمود. این مطلب اول اما بعد؛ کماکان برخی انتقادات پیرامون نگاه و تفسیر ایشان درباره نماز جمعه تر از انقلاب محل نقد و بحث است. خلاصه بیان ایشان در برنامه ثریا این بود که شورا با تمام مسائل و مباحث مربوط به عدالت موافق و همراه است. تنها موضعی که از نظر ایشان مطلوب نیست ذکر مکرر مسائل و مشکلات (اعم از ناکارآمدی دستگاه های مفاصل صورت گرفته ولو منجر به هتک و توهین نباشد) به طور مصادیقی در تریبون نماز جمعه است. تعبیر ایشان این است که اولاً نماز جمعه ذکر... است و نباید آلوده به چنین مباحثی شود و ثانیاً طرح این مسائل ناامیدی و آزردهی مردم و نمازگزاران را در پی خواهد که مطلوب نیست. اما در باب مورد اول سوال این است که آیا

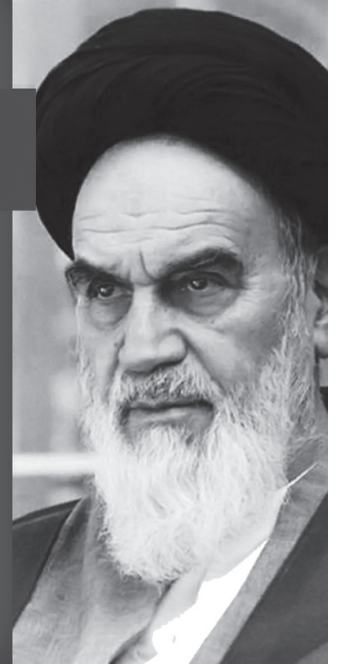


## ۹۹ امام خمینی

### نماز جمعه، نماد فعالیت اجتماعی

نماز جمعه و مساجد در صدر اول اسلام، یک وضعی داشت و بعد به تدریج، آن محتوای خودش را از دست داد. و در بین مسلمین، یک طایفه‌شان اصلاً اقامه جمعه نمی‌کردند و یک دسته‌ای هم که اقامه جمعه می‌کردند بی‌محتوا. تقریباً بود؛ مسائل منحصر می‌شد به یک چند جمله نصیحت و ختم می‌شد. در صدر اسلام، مسجد و نماز جمعه یک ابزاری بود در دست کسانی که می‌خواستند فعالیت در امور کشوری بکنند.

صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۳۷



یادداشت فتح

## مرثیه‌ای برای یار مهربان

دو سالی هست که از شروع همه‌گیری کرونا در جهان می‌گذرد. صدها میلیون مبتلا و ده‌ها هزار کشته، بخشی از آسیب‌هایی است که این ویروس منحوس طی این دو سال از خود برجای گذاشته است. در این مدت اخبار فوت هموطنان مان کام هریرانی را تلخ کرده است. اما آیا همان میزانی که از شنیدن خبر «متاسفانه در شبانه روز گذشته، تعدادی از هموطنان مادر اثر ابتلا به کرونا جان باختند» متأثر می‌شویم، از شنیدن خبر «سرانه مطالعه مردم ایران، ۱۶ دقیقه و ۳۶ ثانیه در روز (با احتساب قرآن، ادعیه و روزنامه‌ها) است.» نیز ناراحت می‌شویم؟! احتمالاً خیر. به راستی چگونه است که مرگ انسان‌ها ما را ناراحت می‌کند، اما مرگ تدریجی فکرو اندیشه و فرهنگ یک ملت، چندان تغییری در ما ایجاد نمی‌کند؟ متاسفانه بی‌توجهی به مسئله فرهنگ، کهنه‌زخمی است که در بدنه دولت‌ها و نهادهای مسئول جا خوش کرده است. اساساً تا وقتی سیاست‌گذاری فرهنگی کشور اسیر

کاغذبازی‌های اداری باشد، نمی‌توان توقع چندانی برای حل معضلات فرهنگی جامعه داشت. زیرا سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی بیش‌تر از آن که دنبال حل واقعی مشکلات فرهنگی باشند، به دنبال تنظیم گزارش کار از اقدامات نمایشی خود، برای مسئولین بالادستی هستند. در این فرایند، محدود طرح‌ها و برنامه‌های مفیدی هم که طراحی می‌شوند، یا در رفت و برگشت بین اداره‌ها گم می‌شوند یا در آرشیو اسناد سازمان‌ها، خاک می‌خورند.

باشند. و نتیجه این فرآیند غلط، می‌شود این جمله آقای صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم: «۵۹ درصد از ایرانیان، کتاب غیردرسی نمی‌خوانند.» متاسفانه در این شرایط افرادی هم که علاقه و تمایل به کتابخوانی دارند، با معضل گرانی کتاب مواجه هستند. تورم‌های پیاپی و گرانی افسارگسیخته کاغذ در سال‌های اخیر، قدرت خرید مردم را کم و بازار نشر را بسیار کم‌رونق کرده است. به طوری که طبق گزارشی که روزنامه فرهیختگان تهیه کرده است، فروش ۷۰ درصد کتاب‌فروشی‌های تهران، کتاب نیست! به عبارتی کتاب‌فروشی‌ها از فروش لوازم تزئینی، لوازم التحریر و... امرار معاش می‌کنند. با توجه به این شرایط، به نظر می‌رسد که دولت باید عزم خود را جزم کرده و هم در لایه سیاست‌گذاری فرهنگی و هم در لایه اجرایی، به مسئله ترویج کتابخوانی توجه ویژه‌ای داشته باشد. قطعاً مقوله فرهنگ و فرهنگ‌سازی زمانبر است و ظرف مدت کوتاهی مانند یک سال رویه‌های غلط فعلی به طور کامل اصلاح نمی‌شوند. اما می‌توان با استفاده از راهکارهای کوتاه مدت، مسیر را برای فعالان این عرصه هموارتر کرد.

مسئله فرهنگ کتابخوانی و ترویج آن نیز از این قاعده مستثنی نیست. به جرأت می‌توان گفت که اگر کتابخوانی در جامعه رواج پیدا کند، بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه هم به تبع آن حل خواهند شد. فرمایش رهبر معظم انقلاب در این زمینه، فصل الخطاب است: «امروز کتابخوانی و علم آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی که یک واجب دینی است.» سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در زمینه ترویج کتاب مسئولیت داشته و یا حداقل تاثیرگذار هستند. اما در این میان، نقش نظام آموزشی کشور بسیار برجسته است. نظام آموزشی نمره‌محور، فضایی را ایجاد می‌کند که افراد در آن جز به کتاب درسی، به چیز دیگری احساس نیاز پیدا نمی‌کنند. فضایی که رقابت تنها بر سر نمره است و کسی که بهتر بتواند حفظ کند و یا در بهترین حالت، خوب بفهمد و در امتحان خوب جواب بدهد، فردی موفق و آینده‌دار تلقی می‌شود. بدون آنکه کاربرد و تاثیر آن مطالب را در زندگی خود بداند. در نظامی آموزشی که محور رقابت آن کتاب درسی است، نمی‌توان توقع داشت که فارغ‌التحصیلان آن رغبتی به کتاب و کتابخوانی داشته





## ویرانگی‌های جشن وحشت

در فضای مجازی بلاگرهای اینستاگرامی تم هالووین می‌گیرند، ارسال عکس، تزئینات و شمایل هالووین راه می‌افتد و شوخی‌ها و اظهار نظرهای هالووینی نیز رونق می‌یابد. خارج از مجازستان در فضای شهری مغازه‌ها علی‌رغم ممنوعیت، وسایل مخصوص هالووین می‌فروشند و حتی بساط دست‌فروش‌ها هم گرم شده. عده‌ای نیز سرخوش از موجودی کارت بانکی، پیش‌تاز خودنمایی چه در هیاهوی اینستاگرام و چه در شلوغی بازار هستند. در چنین شرایطی از سوی اشرافیت و فخرفروشی خانواده‌های ثروتمند و به اصطلاح بالاشهری، تصویری را در ذهن دیگران جا می‌نماید که برپای هالووین نشانه زندگی شاد و مرفه است؛ از سوی دیگر نیز به واسطه اثرات روانی حاصل از جوش و خروش فضای مجازی، به خصوص اینستاگرام، تصویری برای کاربران شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود که «گویا همه جامعه سرخوش به هالووین هستند، پس من نباید جا بمانم!» برآیند ذهنی دو تصور فوق، خانواده قشر آسیب‌پذیر جامعه را تحت فشاری قرار می‌دهد که برای رهایی از آن خود را در معرض بازی دو سر باخت هالووین می‌بیند. پدر بازتشنه یک خانواده پایین‌شهری را فرض کنید که در مقابل خواسته فرزندش برای خرید حداقل یکی از تزئینات جشن هالووین قرار گرفته تا شاید او نیز همانند یکی از دوستان متمولش اندکی لذت ظاهری عکس‌گرفتن با کدو حلوایی‌های هالووین در یک رستوران گران‌قیمت با خانواده را تجربه کند. بانگ‌ها به درآمد این پدر اگر خواسته فرزندش را بپذیرد، متحمل هزینه‌ای فراتر از توان مالی خود شده و اگر هم نپذیرد، بهای ناراحتی و حسرت یکی از اعضای خانواده‌اش را باید بپردازد. هالووین فرای از هرگونه اثرات اجتماعی‌اش، برای ما حامل پیامی است از استضعاف فرهنگی شکل گرفته در جامعه. با این معنا که گروهی از مردم تحت فشار ناخواسته و بلکه تحت سلطه پرچم‌داران اینستاگرامی و سربازان اشرافی فرهنگ غربی قرار گرفته‌اند. در پایان بانگ‌ها به وضعیت مشکلات معیشتی فراوان قشر آسیب‌پذیر جامعه و یا به تعبیر امام راحل «پابرهنگان»، چنانچه تدبیری مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی برای استضعاف فعلی موجود در کشور نشود، برانگیخته شدن استضعاف اقتصادی به واسطه استضعاف فرهنگی جامعه، اثرات جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

برای کمک به سودآوری شرکت‌های خودروساز داخلی و حمایت از این صنعت برای شکوفایی بیش‌ازپیش و به تبع آن تحریک طرف عرضه برای تولید خودروی بیشتر و با کیفیت‌تر از طرفی دیگر کاهش فاصله قیمت کارخانه و بازار این محصول و سرزیرکردن سود تولید از جیب دلالتان به حساب تولیدکنندگان انجام شده است. باین‌وجود اما نگاه به روند قیمتی در سال‌های گذشته نمایانگر چسبندگی شدید قیمت کارخانه و بازار در این صنعت بوده به طوری که افزایش قیمت کارخانه خودرو اگرچه موجب سودآوری انحصارگران این صنعت شده

**افزایش قیمت کارخانه خودرو اگرچه موجب سودآوری انحصارگران این صنعت شده لکن به جهت افزایش قیمت بازار تأثیریه‌سزایی بر وضعیت مصرف‌کننده حقیقی نداشته و کورسوی امید به داشتن وسیله نقلیه شخصی را تبدیل به آرزوی دست‌نیافتنی می‌کند.**

لکن به جهت افزایش قیمت بازار تأثیریه‌سزایی بر وضعیت مصرف‌کننده حقیقی نداشته و کورسوی امید به داشتن وسیله نقلیه شخصی را تبدیل به آرزوی دست‌نیافتنی می‌کند. حال باید دید برنامه دولت سیزدهم برای افزایش سطح رفاه مصرف‌کنندگان حقیقی از طریق افزایش قدرت خرید خانوار آسیب‌دیده کنونی چیست؛ مصرف‌کننده‌ای که با احتساب تخصیص تمام درآمد ماهانه خود (با فرض درآمد ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی!) برای به‌دست‌آوردن وسیله نقلیه شخصی و با فرض محال عدم تغییر قیمت خودرو داخلی، راهی پرفرازونشیب ۴۰ ماهه را برای ارزان‌ترین خودروی داخلی در پیش دارد. از طرفی دیگر این سؤال در ذهن خطور می‌کند که انحصارگران قدردان این موهبت دولت سیزدهم بوده و با ارائه محصولات با کیفیت بسیار بالاتر از قبل تحولی در این صنعت به وجود می‌آورند و یا کفران نعمت کرده و خودرویی بی‌کیفیتی در اختیار مصرف‌کننده حقیقی قرار خواهند داد!؟

## به نام مردم به کام خودروسازان!

طی سه سال اخیر تلاطمات قیمتی موجود در بازار خودرو رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفته است؛ افزایش چند برابری قیمت خودروهای داخلی از یک طرف و وجود رانت و فساد گسترده در طرح‌های حمایتی نظیر پیش‌فروش خودرو جذابیت این بازار برای مصرف‌کننده حقیقی کاهش پیدا کرده و روی خوشی به سفته‌بازان و شیفتگان سودهای بادآورده نشان داده است. با شروع دولت سیزدهم، امید به رفع تحریم‌ها از یک سو و اعلام طرح‌های وزارت صمت جهت ساماندهی وضعیت صنعت خودروسازی داخل روح تازه‌ای به شاکله این صنعت دمید. حال اما پس از گذشت حدود ۳ ماه از شروع به کار دولت، این وعده‌ها نه تنها گام جدی برای افزایش جذابیت این صنعت برای مصرف‌کنندگان حقیقی برداشته نشده بلکه افزایش قیمت خودروهای داخلی بار دیگر بر صدر اخبار روز طناری می‌کند. مطابق مصوبه ۲۸ مهرماه شورای اقتصادی سران و به منظور کاهش فشار بر خودروسازان داخلی و اصلاح وضعیت بازار تولید خودرو در کشور، شورای رقابت از گردونه تعیین قیمت دستوری خودرو خارج شده و انحصارگران تولید در این صنعت بار دیگر قوت تازه‌ای گرفتند. اگرچه این تصمیم گام مهمی در اصلاح قیمت‌گذاری در بازار خودرو و تعیین قیمت خودرو در مکانیزم عرضه و تقاضا بوده و در نگاه اول از اقدامات قابل تحسین دولت سیزدهم به شمار می‌رود اما با گذشت حدود ۳ هفته، اعلام افزایش رسمی قیمت خودروهای داخلی توسط خودروسازان بار دیگر پذیرناامیدی را دل متقاضیان حقیقی کاشته است؛ افزایش قیمتی که به گفته مسئولان امر عامل مهمی



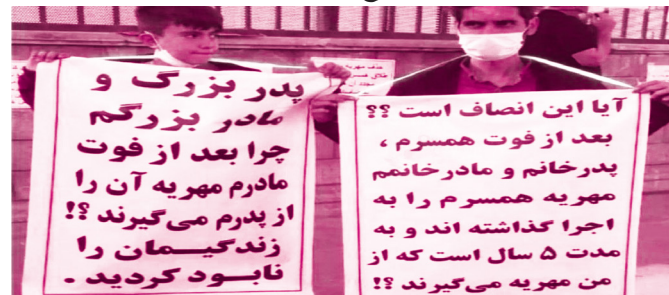
# مطالبه‌گری صحیح بر مبنای اندیشه رهبری

انقلاب اسلامی ایران، با آرمان‌های فطری خود به دنبال شکل‌دهی اجتماع یکپارچه، تمام‌اقتشار و طبقات جامعه را در تحقق اهداف والای آن، صاحب نقش تعریف کرده است. در نتیجه این مهم، تمامی نقش‌ها و ماموریت‌ها در مسیر تمدنی انقلاب و در همکاری، همراهی و مفاهمه مستمر لایه‌های مختلف جامعه اسلامی معنا پیدا می‌کند که ماموریت مطالبه‌گری نیز از آن مستثنا نیست. مطالبه‌گری، پرتاب شعار بی‌نتیجه و دل‌خوش‌کن گروه مطالبه‌گر نبوده بلکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب، نیاز قطعی، لازم و حیاتی کشور است. در ادبیات رهبری معظم، مطالبه‌گری لازمه تحول جامعه، نتیجه و منجر به اعتماد به نفس اجتماع و جهت‌دهی، حمایت‌کننده و هدایت‌گر برنامه‌های قوا و حتی رهبری است. مبتنی بر مبادی مذکور، می‌توان مطالبه‌گری را به عنوان بخشی از ماموریت و بار معهود حلقه‌های میانی، نه در جایگاه غُرزنی که بعنوان مکمل و متمم ساخت اجتماعی همه ارکان حکومت دانست. شاید بتوان اصلی‌ترین حلقه میانی را تشکل‌های دانشجویی و قشر جوان دانست. آنچه در ادامه تقدیم می‌گردد باید‌ها و نباید‌های این نوع مطالبه‌گری به اختصار و مبتنی بر فرمایشات رهبر معظم انقلاب است که در حد توان، تقریری از آن ارائه می‌گردد. اساساً در مطالبه‌گری که شاغل مسیر محسوب می‌گردد، آنچه حق تشخیص داده می‌شود مورد مطالبه قرار گیرد که اتم مصادیق آن آرمان‌های انقلابی است این مطالبه‌گری با عقلانیت، بدون پرخاش، به دور از تعجیل در اقدام و بصورت مستدل و با اطلاع کافی انجام می‌گردد که با بصیرت و لحاظ تفاوت‌های جبهه خودی و دشمن در نقد منجر به عدم

تکمیل نقشه دشمن بوده و جوهرچین انقلاب اسلامی را تکمیل می‌کند حال آنکه این عدم توجه می‌تواند نتیجه عکس به همراه داشته باشد. نکته مهم، لحاظ اولویت‌ها در تعیین مسائل و جلوگیری از اشتباه در تشخیص اصل و فرع مسائل است و نهایتاً لحاظ تدریجی بودن امر اصلاح به عنوان غایت مطالبه‌گری، ضرورت ایستادگی، پایداری و خسته نشدن تا حصول نتیجه، حتی در صورت عدم پاسخگویی را نمایان می‌کند. چنانکه عنوان شد، عباره‌اخری مطالبه‌گری حق طلبی بوده که رهیافت این نگاه لزوم غلبه بر هواهای نفسانی و تمایلات شخصی و گروهی به عنوان پایه سایر نتایج را نشان می‌دهد. در نتیجه، مطالبه‌گری از فعل صرفاً انتقادی به ترکیب انتقاد توأم با پیشنهاد تغییر پیدا می‌کند چرا که انتقاد صرف کاری را پیش نمی‌برد لکن تند در نقد و افراط و تفریط در بیان از خطوطی است که ضمن مهیا شدن زمینه محکومیت نقدکننده، منهی‌عنه و مذموم است. سرانجام آنکه، شخصی‌سازی مطالبه ضمن اینکه احتمال خطا را افزایش می‌دهد، زمینه سوء استفاده قانون‌دان‌های قانون‌شکن را فراهم می‌کند و زندگی مطالبه‌گر دوری از آن است. البته شخصی‌سازی مطالبه با مختصات مذکور در تعارض با مطالبه مصداقی از افراد است و نه اقدامات. در این نوشته در تلاش بودیم تا رؤس خطوط مطالبه‌گری از دیدگاه رهبر حکیم انقلاب به شیوه‌ای نظام‌وار مطرح‌گردد که خود، کامل نبودن کار و نیاز آن به تکمیل را اذعان می‌کنیم. پرواضح است که شان مطالبه‌گری حقیقی به عنوان یک شان تمدن‌ساز، نیازمند مباحثات و هم‌فکری‌های متعدد است که نقدها و نظرات مطالعه‌کنندگان محترم می‌تواند قدمی در تکمیل این مسیر باشد.

# کی داده؟ کی گرفته؟

مدتی قبل بود که تصویر زیر در فضای مجازی منتشر شد. محتوای تصویر گویای اجرای مبانی و اصول حقوقی اسلامی است، چراکه مهریه در دین اسلام و حقوق مابه عنوان یکی از حقوق زن مطرح می‌شود. میزان و کیفیت مهریه محصول توافق زن و مرد است که به محض شکل‌گیری عقد ازدواج زن مالک مهریه می‌شود. از لحاظ حقوقی مهریه جزء اموال زن محسوب است و زمانی که زن فوت می‌کند اموال او به کسانی که مستحق آن هستند به ارث می‌رسد؛ پدر و مادر زن نیز از اموال فرزند خود ارث می‌برند. در دهه‌های اخیر با توجه به شرایط اقتصادی برخی از افراد و گروه‌های خاص به دنبال تغییر قوانین حوزه مهر و حتی قواعد ارث هستند، در حالی که حذف مبانی که از بالاترین منطق پیروی می‌کند یک برخورد سطحی و غیر قابل پذیرش است. با اندکی تامل در می‌یابیم که مشکل از نحوه تصمیمات فردی و فرهنگ‌های غلط موجود در جامعه است، نه مبانی و قوانین. دین اسلام برنامه‌ای است کامل در جهت سعادت بشری که سبک زندگی صحیح



**فتح؛ نشریه گفت‌وگو با انقلاب اسلامی**  
**صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)**

**شناسنامه فتح ۲۱۱**

مدیر مسئول: علی راستی  
 مدیرمسئول: پوریا عصار  
 سردبیر: علی حکیمی  
 دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق  
 مسئول فضای مجازی: احمد رضا حبیبی

**هیئت تحریریه**

محمد میکائیل غلامی  
 محمد رضائی جوزانی  
 محمد جواد تسلیمی  
 مصطفی انواری

درگاه‌های ارتباطی فتح

FathISU\_IR  
 FathISU\_IR  
 BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را با اسکن این QR کد دریافت کنید

